



امروز شما



فروردین

تو طبعی آتشین داری و زود تحت تأثیر قرار می‌گیری. باید احساسات خود را کنترل کنی و به دور از هرگونه تنش و اضطراب تصمیم‌گیری تا موفق شوی.

اردیبهشت

اتفاقاتی پیش می‌آید که تو را وسوسه می‌کند تا دست به کارهای غلط و اشتباه بزنی. کاملاً باید مراقب باشی و در همه حال دوراندیشی خود را حفظ کنی. باید مراقب باشی، بازچه این و آن نشوی.

خرداد

پس از یک دوره ناراحتی و تنهایی، اکنون وارد مرحله تازه‌ای از زندگی شده‌ای و با شخصی آشنا می‌شوی که بعضی از رویاهای شیرین تو را به واقعیت نزدیک می‌کند و تو را شاد و خرم می‌کند.

تیر

گیرم که شانس در خانه تو را بزند و پرسد که چه می‌خواهی؟ وقتی تو خود هنوز به این نرسیده‌ای که هدف تو در زندگی چیست، دیگران چه کمکی می‌توانند به تو بکنند!

مرداد

مسائلی در زندگی عاطفی اتفاق می‌افتد که نباید در مورد آن سهل‌انگاری کرد. باید با عقل و منطق و به دور از احساسات یا این مشکل برخورد کنی تا به سرعت مشکل حل شود.

شهریور

در این اوضاع درهم برهم، تصمیم‌گیری دشوار خواهد بود. باید کمی حوصله کنی تا همه چیز مرتب شود سپس می‌توانی با چشمان باز برای زندگی و آینده‌ات تصمیم‌گیری و به پیامدهای آن بیندیشی.

اردیبهشت کجا سفر بریم؟



مدیرکل توسعه گردشگری داخلی از رشد فزاینده سفر در مقاصد نوظهور خبر داد و پیشنهادهایی را برای سفر در اردیبهشت‌ماه با توجه به برپایی جشنواره‌های گوناگون در سراسر کشور مطرح کرد.

مصطفی فاطمی دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر و مدیرکل اداره توسعه گردشگری داخلی در گفت‌وگو با ایلا چند پیشنهاد برای سفر مطرح کرد و افزود: اردیبهشت فصل طبیعت ایران است و معمولاً طبیعت‌گردی در این ماه به شدت افزایش می‌یابد، به ویژه در شهرهایی که درگیر جشنواره‌های گوناگون هستند، مثلاً در این ماه قرار است شیراز میزبان جشنواره‌های گردشگری ادبی، گردشگری خوراک و عشاير باشد. در میمند (استان فارس)، قمصر، نیاسر و کاشان (استان اصفهان) هم جشنواره کلاب‌گیری برگزار می‌شود.

او ادامه داد: کردستان یکی از مقاصد نوظهور سفر در ایران است که با افزایش قابل توجه مسافر مواجه است و طبیعت آن در اردیبهشت‌ماه یکی از جذابیت‌های آن به شمار می‌آید، به ویژه آن‌که در منطقه اورامانات در همین ماه آیین «پیشایار» برگزار می‌شود.

فاطمی بیان کرد: البته دست‌کم سه سال طول کشید تا کردستان به این نقطه برسد و بومگردی‌های آن رشد کند. ما معتقدیم سفر و گردشگری با خود امنیت می‌آورد، اگر به خاطر داشته باشید مردم در گذشته کمتر به کردستان سفر می‌کردند، اما حالا در بیشتر روستاهای آن بومگردی وجود دارد و همچنان در حال افزایش است، در کرمانشاه هم شاهد چنین اتفاقی هستیم.

مدیرکل توسعه گردشگری داخلی افزود: اردبیل که به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای عضو اگو در سال ۲۰۲۳، هم‌اینک میزبان مهمانان بین‌المللی کشورهای اگو بوده، جشنواره کوچ عشاير را نیز در هفته گذشته برگزار کرد و طبیعت آن برای سفر همچنان جذاب است.

فاطمی همچنین از برگزاری جشنواره‌های گوناگون در زنجان و گیلان در روزهای آتی خبر داد و در ادامه گفت: ترکمن‌صحرا در استان گلستان از دیگر مقاصد نوظهور بوده که سال‌های اخیر سفر برطرف شود.

این آیین دو هزار سال قدمت دارد



بیل‌گردانی، آیینی دو هزار ساله است که در شهر نیمور استان مرکزی برگزار می‌شود و در سال ۱۳۸۹ در فهرست میراث ناملموس کشور به ثبت رسیده است. این آیین کهن ریشه در باور و اعتقادات مردم داشته و با پیشه آن‌ها که کشاورزی بوده، گره‌خورده است.

مهدی لعل‌بار مسئول نمایندگی میراث فرهنگی در شهرستان محلات و عضو ستاد بیل‌گردانی نیمور در گفت‌وگو با ایلا درباره این آیین توضیح داد: این آیین به کار و زندگی مردم «نیمور» گره‌خورده که نوعی ورزش نیز محسوب می‌شود. از سویی، نمایشی از قدرت‌نمایی مردم نیمور برای کسانی بوده که بدخواه آب نیمور بوده‌اند و از طرفی، جشن شکرگزاری نیز محسوب می‌شده است. ضمن این‌که نوعی آب‌خواهی هم از خدا بوده که در فصل کشت جدید، باران بیشتری نازل کند تا کشاورزی در این شهر از رونق نیفتد.

او ادامه داد: مراسم بیل‌گردانی هر سال بعد از پایان پاییزی نهر اصلی نیمور انجام می‌شود. بند نیمور که روی رودخانه لعل‌بار بسته شده است تا زمین‌های کشاورزی (حدود ۱۸ کیلومتر) نهرکشی شده است و هر سال گل و لای می‌گرفته و باید لایروبی می‌شده است تا آب به زمین‌های کشاورزی برسد. کشاورزها بر اساس قانونی که بین خودشان وضع کرده بودند، تقسیم کار می‌کردند که هر فردی به میزان زمین کشاورزی‌اش، جوی را لایروبی کند. لعل‌بار اضافه کرد: پس از پایان لایروبی کشاورزها به میدان اصلی شهر می‌آمدند که زمانی میدان «چاله‌قنات» نام داشت و بعدها در پامناز جمع می‌شدند. سپس هفت بیل را در دو دسته سه و چهارتایی با موی بز به یکدیگر می‌بستند (سه تا دست چپ و چهارتا دست راست)، وزن آن‌ها هم بین ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم بوده است. بعد این بیل‌ها را با یک روش خاصی بالا سرشان می‌چرخاندند که علاوه بر زور زیاد به مهارت خاصی نیاز داشت. ممکن است فردی زور زیاد هم داشته باشد اما نتواند این کار را انجام دهد.

نماینده میراث فرهنگی شهرستان محلات درباره باورهایی که در این مراسم نقش دارند، گفت: چندین باور و فلسفه برای انتخاب



سه کام حبس؛ یک تلخی بی پایان



فیلم سینمایی سه کام حبس که پس از گذشت سال‌ها از زمان تولید به تازگی و در روزهای اخیر روی پرده اکران قرار گرفته، پیش از آن که یک درام اجتماعی باشد یک پایان تلخ است.

به گزارش ایرنا، سامان سالور کارگردانی است که از همان ابتدا سبک فیلمسازی اش متفاوت و روشنگر بوده است. سالور با ساکنین سرزمین سکوت (۱۳۸۲) وارد سینما شد اما چند کیلو خرما برای مراسم تدفین (۱۳۸۴) فیلمی بود که توجه‌ها را به سمت او برگرداند و بی شک مهم‌ترین فیلم وی تا به امروز است؛ فیلمی سیاه و سفید که به خاطر شباهت‌هایش به نیورالیسم ایتالیا و بازی‌های درخشانش در معرفی سالور به جامعه روشنفکر ایرانی گامی موفق بود.

پس از این اثر سالور فیلم‌های مختلفی را در ژانرهای متفاوتی ساخت؛ از فیلم‌های مستقل ترانه تنهایی تهران (۱۳۸۷) و آمین خواهیم (۱۳۸۹) گفت تا فیلم جنگی سیزده ۵۹ (۱۳۸۹).

سالور فیلمسازی است که فیلم‌هایش شبیه آثار سایر فیلمسازان نیست و امضای شخصی خود را پای اثرش دارد.

در سه کام حبس سالور با کمک گرفتن از نمادگرایی و تریسم فضایی کدر و چرک تلاش دارد تا سیاهی‌های اعتقاد را به شیوه خود به نمایش بکشد اما شاید تفاوت سه کام حبس با سایر آثار سالور این است که تکرار کلیشه‌هایی از سایر فیلمسازان را در این اثر می‌بینیم و این موضوع بدون تردید آزاردهنده است.

یکی از کلیشه‌هایی که در سالهای

به قول یکی از منتقدان این فیلم کلکسیونی از آسیب‌های اجتماعی است؛ کلکسیونی که به همینجا ختم نمی‌شود و با افزودن فلاکت‌های فردی شخصیت قصه و مخاطب را به یک بن بست قطعی هدایت می‌کند. بن بستی که گویی آخر دنیاست و هیچ راه فراری برای آن وجود ندارد؛ اگرچه قرار نیست که فیلم‌ها همیشه امیدی واهی دهند اما هدف از ساخت فیلمی که مخاطبش را پس از خروج از سالن با سنگینی درد بدرقه کند، چیست؟ درنهایت مشکل اصلی سه کام حبس در همین نقطه است، یعنی جایی که قرار است بر مخاطب



اخیر در درام‌های (اگر نگوئیم سیاه) خاکستری سبک ابد و یک روز مد شده است و متأسفانه سالور هم در دام آن افتاده به تصویر کشیدن شادی‌های و خوشی‌ها و خوشحالی‌هایی است که عمری به کوتاهی ابتدای فیلم دارند و عمدتاً نشان از آرامش پیش از طوفان هستند؛ آرامشی بسیار کوتاه که پس از آن طوفان شروع می‌شود و هر فیلمساز بسته به ایده‌های خود و پیام فیلم مخاطب را با سیاهی مواجه می‌سازد؛ نقطه ضعف اصلی سه کام حبس این است که فیلمساز و قصه به سمت یک سیاهی بی‌پایان می‌روند و مخاطب را در یک سیاهی مطلق غرق می‌کنند. به شکلی که قهرمان داستان می‌شود مصداق «از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود».

یکی دیگر از کلیشه‌هایی که با مصادیق متعدد آن در آثاری از این دست روبرو هستیم بی کس و کار بودن مطلق شخصیت‌های قصه است. چرا برای این که سیاهی زندگی یک کاراکتر به تصویر

عکس روز:



چشمه‌های «باداب سورت» مازندران

اثر گذارد و او را تحت تأثیر قرار دهد اما به دلیل همجاری که از آسیب‌های اجتماعی پشت هم قطار حتی در برخی جاها (مانند صحنه بیمارستان و تلاش مجتبی برای کشتیدن شیشه) می‌ترسند. البته سالور تصویر متفاوتی از اعتدال ارائه می‌دهد و بر خلاف کلیشه‌های رایج از نمایش اعتدال تصویری برنده و آزاردهنده از آن ارائه می‌دهد؛ دقیقاً همان گونه که هست.

محسن تابنده یکی از متفاوت‌ترین و جدی‌ترین نقش‌های خود را در این فیلم به تصویر می‌کشد؛ تصویر مردی که تلاش می‌کند تا خوشبختی کودک خردسالش را محقق سازد اما دست و پا زدنش در اعتدال و بدبختی‌های زندگی فلاکتی که در آن قرار دارد را عمیق‌تر می‌کند.

پریناز ایزدیار هم البته در این فیلم خوب بازی می‌کند اما به دلیل این که در چنین نقش و شخصیتی به کرات کلیشه شده چیز تازه‌ای برای مخاطب به همراه ندارد.